■ سال بیست‌وهشتم ■ شماره ۸۰۷۶ ■ دوشنبه ■ ۲۱ آذر ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۸ | اذان مغرب ۱۷/۱۲ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۳ | اذان صبح فردا ۵/۳۵ | طلوع آفتاب فردا ۷/۰۵

سخن روز

پیامبر اکرم(ص):
صله رحم، خوش اخلاقی و خوش همسایگی، شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌کند.
نهج الفصاحه،ح۱۸۳۹

نگاره

نیما شاه‌میری

رهاورد تکنولوژی برای کتاب دوستان

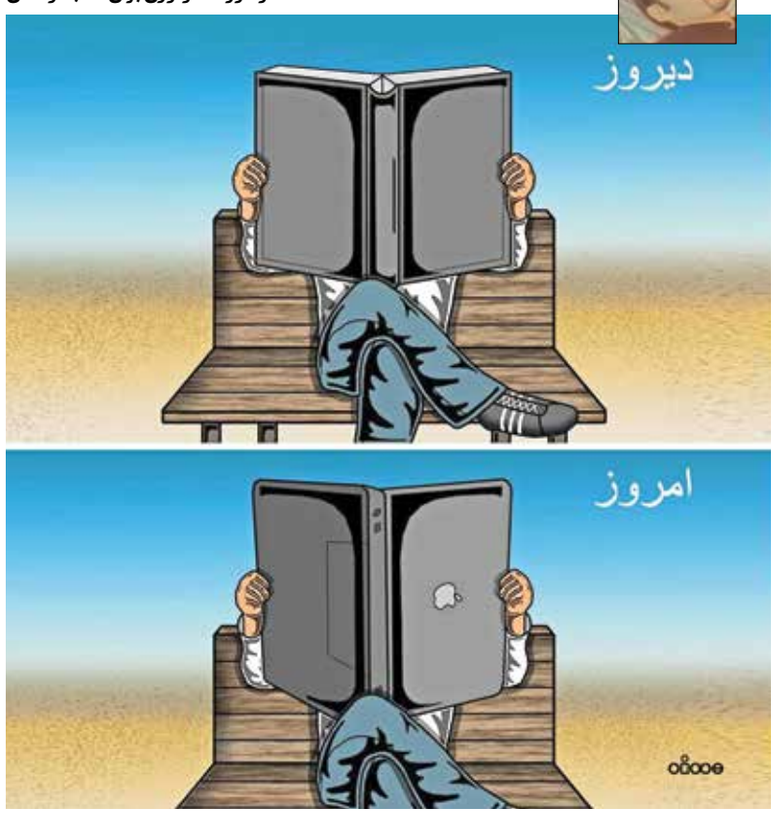

فضای مجازی

حس وطن‌دوستی روی صحنه تئاتر، منتفی شدن پخش مسابقات فوتبال نیمه‌نهایی جام جهانی در سینما، تحسین انجمن بین‌المللی مستند از «هرچه نفس می‌کشد»، صدرنشینی جانی دپ در موتور جست‌وجوی گوگل و... از جمله اخبار پربازدید شبکه‌های مجازی و رسانه‌های رسمی کشور است که برش‌هایی از آن را در ادامه می‌خوانید.

■ **چهره روز**

نویسنده فرانسوی برنده نوبل ادبیات، دیروز شنبه ۱۹ آذر جایزه خود را در مراسمی رسمی که در استکهلم برگزار شد دریافت کرد.
آنی آرنو نویسنده فرانسوی شامگاه شنبه ۱۹ آذر در مراسم رسمی اهدای جوایز نوبل امسال، گفت امیدوار است جایزه نوبل او نشانه امیدی برای همه نویسندگان زنی باشد که هنوز به عنوان تولیدکنندگان آثار مکتوب، به رسمیت شناخته نشده‌اند. طبق گزارش مهر، هیأت داوران آکادمی نوبل امسال از این نویسنده ۸۲ ساله به عنوان نماد حقوق زنان و به دلیل «شجاعت و دقت بالینی که با آن ریشه‌ها، بیگانگی‌ها و محدودیت‌های جمعی حافظه شخصی را کشف می‌کند» شایسته دریافت این جایزه خواندند.

■ **اتفاق روز**

در سی و هشتمین دوره جوایز سالانه ایدا که در لس‌آنجلس برگزار شد، برندگان جوایز در ۱۸ رشته معرفی شدند و «هرچه نفس می‌کشد» برنده جایزه بهترین فیلم مستند بین‌المللی شد. این فیلم که محصول مشترک هند، امریکا و بریتانیاست همچنین جایزه بهترین کارگردانی را برای شائوناک سین و جایزه بهترین تدوین و جایزه ویژه را هم از آن خود کرد. این مستند که موفق به کسب جایزه مستند چشم طلایی جشنواره کن امسال هم شده بود درباره ۲ برادر ساکن محله محقر وزیرآباد در دهلی پایتخت هند است که ۲۰ سال است مشغول درمان زغن‌های سیاهی هستند که زخمی می‌شوند. محمد سعود و ندیم شهزاد این پرندگان کوچک شکاری را که بیشتر توسط بادبادک‌هایی که با خرده شیشه پوشانده می‌شوند زخمی می‌شوند، به زیرزمین خانه خود می‌برند و در آنجا به پانسمان و تمیز کردن زخم آنها می‌پردازند و استخوان‌های شکسته‌شان را ترمیم می‌کنند.

■ **سخن روز**

کارگردان نمایش «رستم و سهراب» که قرار است در کارگاه نمایش مجموعه تئاترشهر روی صحنه برود تأکید کرد توجه به حس وطن‌پرستانه دغدغه اصلی اجرای این اثر در شرایط کنونی است. رضا حسن‌خانی کارگردان نمایش «رستم و سهراب» که قرار است از یکشنبه ۲۰ آذر روی صحنه برود، درباره اجرای عموم این اثر نمایشی در شرایط فعلی، به مهر گفته است: «نگاه نمایش وطن‌پرستی نسبت به کشور ایران است و به همین خاطر ترجیح دادیم در شرایط فعلی این اثر را اجرا کنیم، اگر مشکلات مختلفی از اقتصادی گرفته تا غیره داریم نباید حسن وطن‌پرستانه خود را فراموش کنیم. خیلی دوست داشتم که این نگاه وطن‌پرستانه در شرایط کنونی روی صحنه تئاتر ارائه دهم و سهمی برای معرفی اثر ماندگاری چون شاهنامه فردوسی به جوان‌ها داشته باشم.»

■ **چالش روز**

«در شرایطی که سینما به خاک سیاه نشسته و به‌صورت مطلق به سمت نابودی می‌رود، این چند صنف سینمای ایران آن‌قدر قدرت تحلیل و مدیریت شرایط را ندارند که در یک زمین سوخته بر سر غنایم با هم نزاع می‌کنند» این عبارات بخشی از صحبت‌های سجاد نوروزی با ایسنا است. او با اعلام اینکه پخش مسابقات فوتبال نیمه‌نهایی جام جهانی در سینما منتفی شده است، از نحوه عملکرد مدیران چند صنف سینمایی مرتبط با این موضوع انتقاد کرده و گفته است: «اخیراً نمایندگانی از انجمن سینماداران به همراه نمایندگانی از تهیه‌کنندگان و پخش‌کنندگان سینما جلسه‌ای داشتند تا درباره میزان سود حاصل از درآمد پخش مسابقات فوتبال در سینماها تصمیم‌گیری کنند اما نتوانستند در این باره به توافق برسند و به همین دلیل کل قضیه یعنی پخش مسابقات نیمه نهایی و فینال فوتبال در سینماها منتفی شده است.»

■ **عدد روز**

جانی دپ؛ رتبه اول جست‌وجوهای گوگل در سال ۲۰۲۲ شد. باشگاه خبرنگاران جوان با اعلام این خبر نوشته است در تازه‌ترین فهرست منتشر شده گوگل، نام‌هایی در حوزه‌های مختلف دیده می‌شوند که بیشترین جست‌وجو را در یک سال گذشته داشته‌اند. جانی دپ، امبر هرد، ویل اسمیت، کریس راک و جیدا پینکت اسمیت در طول سال ۲۰۲۲، جست‌وجوهای زیادی در گوگل داشته‌اند که در این میان، «جانی دپ» در مقایسه با افراد دیگر، سهم بیشتری به خود اختصاص داده است. جست‌وجوی سالانه گوگل یادآور همه چیزها و اتفاقاتی است که آنها در طول سالی که گذشت، قلب و ذهن افراد را به خود مشغول کرده‌اند که امسال هم همانند سال‌های گذشته، این اتفاق برای ۲۰۲۲ رقم خورده است.

■ **مکث روز**

داستان کتاب«خانه من کجاست؟» به نویسندگی ریحانه جعفری کتابی است که ایرنا خواندن آن را به نوجوانان پیشنهاد کرده است. این کتاب سرگذشت یک دانه سیب است که از درخت به پایین می‌افتد. با حشرات و حیوانات جنگل آشنا می‌شود و به دنبال خانه‌اش می‌گردد. دانه که زمان زیادی را برای پیدا کردن خانه گرم و خوش‌بو تلاش کرده، در پایان می‌تواند خانه‌اش را پیدا و در آن رشد کند.

بسیاری از مؤلفه‌های رشد و توسعه تئاتر را مدیون انقلاب هستیم

کوروش زارعی: چهل سالی که از جشنواره تئاتر فجر پشت سر گذاشته‌ایم شاهد رشد فزاینده‌ای در عرصه تئاتر کشور بودیم، نمی‌خواهم بگویم قبل از انقلاب هیچ اتفاقی نیفتاده است. بی‌تردید در آن سال‌ها نیز اتفاقات مهمی صورت گرفته است. استادان بزرگی برای رشد و تعالی تئاتر ایران زحمت کشیدند؛ اما اتفاق مبارکی که در چهل سال اخیر در تئاتر ایران افتاده در قبل از انقلاب شاهد چنین رشد و توسعه‌ای نبودیم. از همین بابت نیز می‌توان گفت حضور جوانان بااستعداد که امروزه در جشنواره‌های مختلف بین‌المللی شاهد درخشش آنها هستیم؛ خیل عظیم فارغ‌التحصیلانی که در داخل و خارج از کشور داریم؛ استادانی که حرف‌های بسیاری در تئاتر جهان دارند و برخی از آنها صاحب کرسی هستند و بسیاری دیگر از مؤلفه‌ها مدیون رشد و توسعه تئاتر در بعد از انقلاب اسلامی است. در این بین جشنواره‌هایی که در تئاتر ایران داریم در هیچ‌کدام از کشورهای منطقه وجود ندارد، نمونه‌اش جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر که سرآمد این رویدادهاست و در عرصه‌های بین‌المللی نیز نام تئاتر کشورمان را جهانی کرده است.

بخشی از گفته‌های دبیر چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی تئاتر

اگر توانستی در مورد خودت قضاوت درست بکنی؛ معلومه یه فرزانه تمام عیاری!

شازده کوچولو، آنتوان دوسنت اگزوپری

کوتاه‌نوشت درباره چند مستند روز اول جشنواره حقیقت

پرتره شخصیت‌های جنجالی قرن نوزدهم و دهه ۶۰ در کنار هم

نگاه

مصطفی وثوق‌کیا
روزنامه نگار

در اولین روز جشنواره مستند حقیقت آثار متعددی اکران شد. این آثار علاوه بر پردیس ملت به صورت آنلاین نیز در دسترس بود. در این مجال نگاهی مختصر به سه مستند اکران شده داشتم.

۱- برای پس از مرگم/ کنجکاوی برای چهره جنجالی دهه ۶۰

مستندی درباره شخصیت جنجال‌برانگیز دهه ۶۰ و البته منزوی سال‌های بعد. علی صفایی‌حائری مشهور به عین.صاد. شاید همین اختصار حروف روی کتاب‌ها، یکی از عوامل کنجکاوی باشد. شاید هم یکی از دلایل متفاوت بودن او که در آن سال‌ها و سال‌های بعد همچنان اسمش در میان اهل فکر و فضل شنیده می‌شود. مستند برای شروع کار، سراغ چهره‌هایی رفته است که شاید به مدل آخوندی صفایی‌حائری نخورند اما در دیدگاه مخاطب متفاوت بودن او را برجسته و نمایان می‌کند. همگی از منش و روش متفاوت صفایی‌حائری می‌گویند. از مدل برخوردهایش با انسان‌های اطرافش و در نهایت نگاهش به جامعه. اما مستند در ادامه می‌رود تا دلایل مخالفت‌های آن روز حوزه‌ها و برخی نهادهای حکومتی را بیان کند که البته الکن است. مخالفان که کلاً حرفی نزدند و در مستند نیستند و شاگردان و اطرافیان صفایی هم آن را رد کردند. برگ برنده مستند صوت جلسه وی با اعضای جامعه مدرسین است که خب برش‌هایی از این صوت در مستند به ما می‌گوید که مستمسکی علیه عین.صاد نیافتند و بیشتر بهانه‌گیری بوده است. مستند «برای پس از مرگم» البته با گردآوری طیف خوبی از افرادی که اطراف عین. صاد بودند توانسته منش و شخصیت وی را به مخاطب بشناساند هر چند در رساندن حرفی که خود صفایی دنبال آن بود ناکام است اما در کل اثری است که ابهامات و اتهامات مطرح شده درباره عین.صاد را مطرح و می‌خواهد رفع کند.

۲- امین‌الضرب/ پرتره سفارشی برای تاجر مشهور ایرانی قرن نوزدهم

یک مستند کلاسیک درباره مشهورترین تاجر عصر قاجار در قرن نوزدهم هجری. ویژگی مستند استفاده از تصاویر گسترده آرشیوی و خاطرات شخصی افراد دخیل با امین‌الضرب بوده است. مستند ۹۰ دقیقه‌ای امین‌الضرب با ریتمی کند و با استفاده از زیرنویس و نریشنی که خیلی با مخاطب ارتباط برقرار نمی‌کند سعی دارد اطلاعات گسترده‌ای را برای مخاطب عیان کند، هر چند شیوه کار خیلی جذاب درنیامده است ولی در مجموع پرتره‌ای به جای گذاشته است از یک تاجر ایرانی؛ اثری که محصول مشترک مرکز سینمای گسترش تجربی با اتاق بازرگانی است و مشخص است ادبیات کار با نیت سفارش‌دهندگان همخوانی دارد. نیمه‌کاره رها شد و به انتهایش نرسیدم.

۳- اسپانک/ برای نجات نخل‌های غرق شده

مستند روایت مردمی است که جدا افتاده‌اند به دلیل رنگ پوست‌شان در سواحل مکران. سال‌هاست این‌طور زندگی می‌کنند و از دیگر افراد جدا شدند حتی مردگان‌شان را هم جدا دفن می‌کنند. راوی مستند در پی ساخت سدی در نخلستان دنبال نجات نخل‌هایش است و از روستایی که دیگر متروکه شده کوچ نمی‌کند. او حتی برای نجات نخل‌هایش جانش را به خطر می‌اندازد. اسپانک یک روایت بومی و ساده از مردمی فراموش شده است که برای بقا و زندگی می‌جنگند. او که سال‌ها سهمی از آبادانی نداشته حالا سدی که قرار است برایشان آب و آبادانی داشته باشد می‌شود، وسیله، که رؤیاهایش را غرق کند. دقت مستند در آداب و رسوم مردم سواحل مکران، نقطه قوت کار است و شخصیت‌ها راحت جلو دوربین کار می‌کنند. نقطه ضعف مستند نیز نریشن مغلق و البته پرگویی است که جای راوی سخن می‌گوید و این کار را برای مخاطب سخت می‌کند.

یک خاندان فاسد امریکایی

پیشنهاد

علی‌بکانیان
منتقد

سریال «وراثت»(Succession) به کارگردانی مارک مایلود، آندیاج پارخ، آدام آرکین، میگل آرتتا، آدام مک کی و کوین برای، سال ۲۰۱۸ پخش خود را آغاز کرد و تا امروز سه فصل آن منتشر شده است. این سریال که چهره‌هایی مثل هیام عباس، نیکلاس براون، برایان کاکس، کیرن کالکین، پیتر فریدمن، متی مک فیدین، آلن راک و سارا اسنوک در آن نقش‌آفرینی می‌کنند محصول کشور امریکا و سریالی در ژانر درام است که شبکه اچ‌بی‌اُ آن را از زمان پایان «بازی تاج و تخت» به‌عنوان جانشین پرچمدار سابقش معرفی کرد. این دو سریال در نگاه نخست ربطی به هم ندارند اما به محض اینکه ظاهر متفاوتشان را پشت‌سر می‌گذاریم، با اقیانوسی از نقاط اشتراک مواجه می‌شویم که همه از یک نقطه اشتراک اصلی سرچشمه می‌گیرند: خانواده، سیاست و امپراطوری. در واقع چیزی که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند نه ژانرهایشان، بلکه کیفیت بازی‌شان است. هر دو مشغول بازی یکسانی هستند، اما تفاوتشان این است که «وراثت» آن را خیلی بهتر بازی می‌کند. «وراثت» یک‌شبه به جایگاه پادشاه فعلی اچ‌بی‌اُ دست پیدا نکرد، بلکه شایستگی‌اش را با فصل اولی که در مسیر منتهی به فینال شگفت‌انگیزش، تحسین منتقدان و توجه مردم را به طرز فزاینده‌ای جلب کرد به‌دست آورد، به شکلی که در پایان فصل اول سؤال این بود که مخلوق جسی آرمسترانگ چگونه می‌تواند روی دست چنین شروع قدرتمندی بلند شود و پاسخی که طرفداران دریافت کردند، فصل دوم بسیار بالغ‌تر و منسجم‌تری بود که بدون اینکه به بینندگانش باج بدهد، با چنان عمق، ظرافت، شوخ‌طبعی، جزئیات، بی‌رحمی و رابطه علت و معلولی درهم‌تنیده به تم‌های سنگینی

مثل قدرت، پول، رسانه، اخلاق و خانواده می‌پردازد که «بازی تاج و تخت» در بهترین روزهایش فقط به آن نزدیک شده بود و در بدترین روزهایش حتی خوابش را هم نمی‌دید.

نخستین جذابیت «وراثت» ماهیتش به‌عنوان یک سالاد فصل است؛ «وراثت» بیش از یک سریال جدید، همچون تقاطع برخی از بزرگ‌ترین سریال‌های ۱۰ سال گذشته به نظر می‌رسد. «وراثت» حکم «گِریتست هیتس»ی را دارد که همه قطعات جدا افتاده را برای شکل دادن به یک قطعه مستقل و منحصربه‌فرد تازه، درون یکدیگر درهم آمیخته است. سریال از سکانسی به سکانس بعدی مثل آب خوردن تغییر سبک می‌دهد. در یک اپیزود که پیرامون یک عروسی باشکوه و پرریخت و پاش در یک قلعه قرون وسطایی مجلل بریتانیایی که همه از تمام خاندان‌ها و پیشینه‌های مختلف، فارغ از اختلافاتشان دور یکدیگر جمع شده‌اند و پشت‌سر یکدیگر غیبت می‌کنند و با لبخند روی زخم‌های یکدیگر نمک می‌پاشند، جشن عروسی جافری براتیون از «بازی تاج و تخت» را به خاطر می‌آورد؛ از طرف دیگر، نقش‌آفرینی برایان کاکس در قالب کاراکتر بددهن و همیشه خشمگین لوگان رُی که بی‌وقفه مشغول داد و فریاد کشیدن و تحقیر کردن دیگران و حرص خوردن تا سر حد سکته کردن است، آن را به «تونی سوپرانو» گونه‌ترین نقشی که تلویزیون در دوران پسا-جیمز گاندولفینی به خودش دیده است، تبدیل کرده است. در یک اپیزود دیگر که پای لوگان رُی، بچه‌ها و مشاورانش به کنگره نمایندگان امریکا باز می‌شود و باید یک بحران سیاسی را به وسیله تاکتیک‌های کثیف و قدرتنمایی‌های استراتژیک حل کنند، بهترین روزهای «خانه پوشالی» را تداعی می‌کند. خلاصه که «وراثت» در یک کلام (منهای «بهتره با ساول تماس بگیری») بهترین درام فعلی تلویزیون است و این «وراثت» نیست که باید از نام برده شدن به‌عنوان جانشین «بازی تاج و تخت» احساس خوش‌شانسی کند بلکه این «بازی تاج و تخت» است که باید از به زبان آورده شدن اسمش در کنار «وراثت» به خودش ببالد.

همیشه رؤیاپروری کنیم

یادداشت

محمد بیابان‌گرد
کارگردان تئاتر

هنرمند همیشه سعی می‌کند رؤیای خود یا دیگران را به تصویر بکشاند. یک بازیگر، رؤیای کارگردان و نویسنده را به تصویر می‌کشد. یک نقاش رؤیای خود را به تصویر می‌کشد که ممکن است بارها آن را دیده باشد، یک نویسنده ممکن است رؤیای خود را از یادداشت‌هایی که تلویحاً از ذهن خود برگرفته، بنویسد. هنرمند با رؤیا زندگی می‌کند. خیلی وقت‌ها رؤیایی که دور از ذهن است اتفاق می‌افتد. مثلاً شخص کارگردانی در سینمای فرانسه وجود داشت که با وجود تلخی کابوس، کابوس‌هایش را تبدیل به فیلم می‌کرد. پس یک هنرمند درگیر رؤیای خودش است و مدام با آن دست و پنجه نرم می‌کند. به‌نظر من فرق بین رؤیا و تخیل در این است که در تخیل به‌صورت ارادی فکرهایی را در سر می‌پرورانیم که ممکن است براحتی و زودتر به نتیجه و سرانجام برسد اما رؤیا ممکن است به دوردست‌ها برود و حتی درگیر یک دنیای فانتزی شود که دیرتر قابل دسترسی باشد. رؤیا با فانتزی‌ها درگیر است ولی تخیل با واقعیت.

وقتی درگیر نوشتن می‌شوم بیشتر از تخیلم استفاده می‌کنم برای مثال اتفاقاتی را که در گذشته افتاده است می‌نویسم و در آن قصه‌ها، قهرمانان داستانم را به‌گونه‌ای فرم می‌دهم و وارد ماجرا می‌کنم که به ریشه شخصیت‌هایم آسیب نزند. این موضوع در کار من ترکیبی از رؤیا و تخیل است. اولین رؤیا یا آرزویی که به یاد دارم کمی تلخ

عکس تزئینی است

بود. به‌خاطر می‌آورم که اختلاف کوچکی بین پدر و مادرم شکل گرفته بود و مادرم چند روزی از خانه‌مان رفته بود. به‌طور مداوم دعا می‌کردم که مادرم هرچه زودتر به خانه برگردد و ما بدون مادر نمانیم و در آن دوران این بزرگ‌ترین آرزویم بود. با آنکه خیلی زود مادر و پدرم آشتی کردند اما آن دو روز برای من چند سال گذشت. متوجه شدم زندگی بدون مادر چقدر سخت است و چقدر خوب شد که به آرزویم رسیدم. رؤیا مانند استخوان‌های بدن است که طی مرور زمان فرم متفاوتی پیدا می‌کند؛ محکم‌تر می‌شود؛ شکل درست‌تری به خود می‌گیرد. هرچه بزرگ‌تر شوی کتاب‌های بیشتری می‌خوانی، فیلم‌های بیشتری می‌بینی، با آدم‌های بیشتری آشنا می‌شوی و زندگی شکل واقعی‌تری به خود می‌گیرد. در نتیجه رؤیاها کم‌رنگ‌تر می‌شود. در بین رؤیاهای فردی و جمعی، ترجیح من به برآورده شدن رؤیاهای جمعی است. خواسته من این است که همه مردم با یکدیگر خوشحال باشند. رؤیاها همیشه باعث تلطیف روح آدمی می‌شوند. پس چه بهتر که مدام رؤیا پروری کنیم تا جایی که به واقعیت بپیوندند. سعی کنیم از رؤیابافی‌های منفی دوری کنیم و همیشه به چیزهای مثبت فکر کنیم. رؤیا می‌تواند واقعی باشد به شرطی که ما بخواهیم، پس نباید آرزوهایمان را دور و غیرقابل دسترس بدانیم.

نقطه‌های کور خود را ببینیم

یک فنجان حرف

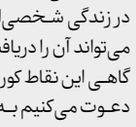

آزاده سهرابی
روانشناس

می‌خواست حرف بزند. دلش پر بود. آنقدر دلش پر بود که هیچ‌کجا اجازه نمی‌داد بر یکی از هیجاناتش که بروز می‌کرد از خشم تا غم، متمرکز شویم. او می‌خواست یک‌نفر روایتش را از اول تا آخر بشنود. پراکنده می‌گفت اما روی نقاطی از روایت دست می‌گذاشت که به گفته خودش بارها نزد دیگران و حتی روانشناسان دیگر گفته بود. سه جلسه بود که فقط در روایت مانده بود. هر آنچه می‌گفت قطعاً در نظر او درد داشت اما عدم همراهی‌اش در متمرکز شدن در درد و بخش آسیب‌پذیرش بدون شک ما را به نقطه‌ای می‌رساند که روایت تمام شود و او احساس نکند در جلسات کمکی به او شده و تا مدتی آرام باشد که کسی حرف‌هایش را شنیده و برود تا درمانگر بعدی! این یک شکل تکرارشونده در اتاق‌های درمان است. گاهی مراجعان واقعاً گوشی برای شنیدن تمام حرف‌های خود ندارند. کسی که بدون قضاوت به دردهای آنها گوش بدهد. گاهی هم افراد با همین بیان روایت‌هایشان مدتی آرام می‌شوند تا دوباره دردها تلنبار شود و دنبال راه فراری بگردد. شاید از برخی از چنین تجاربی در اتاق درمان گریزی نباشد چون درمانگر به عنوان مداخله‌گر خصوصاً در آغاز درمان نمی‌تواند بدون درک دنیای مراجعه کننده اقدامی کند و یا اینکه اساساً روان درمانی نمی‌تواند یک تنه و بدون همراهی فرد، آن نقطه کور تکرارپذیر را از بین ببرد او فقط این نقطه‌ها را نشان می‌دهد تا فرد با دیدن بیهودگی ندیدن این نقاط در زندگی شخصی‌اش دنبال درمان واقعی باشد و آن وقت می‌تواند آن را دریافت کند.

گاهی این نقاط کور آنقدر آزاردهنده‌اند که حتی درمانگر را نیز دعوت می‌کنیم به درون آن تاریکی بیاید و بماند چون دیدن حقیقت اینکه چقدر در ایجاد رنج‌مان سهیم هستیم دشوار است.

تصور کنید زنی را که مدام از سرزنش‌هایی که هر روز همسرش را می‌کند با آب و تاب تعریف می‌کند و مدام هم به خود حق می‌دهد چرا که به درستی همسر او خسیس و خشن است و برای همسر و فرزندانش وقتی نمی‌گذارد. بعد هم در مقابل این پرسش که آیا این سرزنش‌های مداوم تو که با الفاظ نه چندان مؤدبانه‌ای هم بیان می‌شود دردی را دوا کرده است، می‌گوید: نه ولی دلم خنک می‌شود! موضوع این است که دلش خنک نمی‌شود چون علی‌رغم این حرف‌ها و سرزنش‌ها هنوز هم برای درمان افسردگی نزد درمانگر آمده است. او در برابر عملکرد مخرب خودش در تشدید ویژگی‌های منفی همسرش کور بود. در برابر اینکه چقدر بعد از هر بار سرزنش ترس را تجربه می‌کند و این دامی است که خودش برای خودش پهن می‌کند، کور بود. اصرار بر دیدن این نقطه کور او را خشمگین می‌کرد گویی حقی از او گرفته شده است درحالی که در واقع تنها نکته یادآوری این چرخه‌ای که با همسرش به راه انداخته این بود که بتواند خارج از چرخه آسیب‌زا رابطه‌شان را ببیند و بتواند برای بهبود حال خودش و بعد ترمیم رابطه با همسر اقدام کند یا در نهایت اگر رابطه بسیار آسیب‌زاست از آن بیرون بیاید. اما چرا اینقدر دیدن این نقطه کور سخت است؟ آن زن حق دارد از خساست یا عدم همدلی همسرش عصبانی باشد اما در واقع به‌خاطر اینکه به خودش حق نمی‌دهد عصبانی باشد و آن را عمیقاً درون خودش ببیند و به عمق آسیب‌پذیری‌اش برسد و در نهایت با خودش همدلانه برخورد کند، وارد چرخه پرخاشگری می‌شود که می‌داند در نهایت جای خشم را ترس می‌گیرد. ترس از اینکه همسر بیشتر او را طرد کند! شاید درک این سخت باشد و از خودتان بپرسید چرا باید کسی از تجربه خشمش به معنای درست فرار کند تا اسیر ترس شود؟

واقعیت این است که در زندگی این زن ترس کارکرد دارد. کارکردش ماندن در آن زندگی، اصلاح نکردن روند و در نهایت خود عمل پرخاشگری است! این همان نقاط کوری است که فرد باید ببیند تا با شناخت نقاط تاریک خودش بالاخره بتواند از تاریکی رابطه آسیب‌زا رها شود. حتی برای روان درمانگران این عجیب نیست که بسیاری از اختلالات روانی از جمله افسردگی دفاعی هستند که فرد ناخودآگاه برای خود انتخاب می‌کند تا آن افسردگی کارکرد مخربش را در زندگی فرد ایفا کند. اینها نیاز به عمیق شدن در نیازهای هر فرد دارد که بیش از هر چیز ریشه در کودکی او و احتمالاً رابطه‌ای با دلبستگی ناایمن با والدین دارد. اجازه بدهید در اتاق درمان با چنین حقایقی روبه‌رو شوید وگرنه با دوستان خود هم می‌توانید به ادامه دادن روایت‌های یکطرفه خود ادامه دهید.

عکس نوشت

نمایشگاه «FA» که در سال ۱۹۵۳ در موزه ملی فوتبال انگلستان راه‌اندازی شد، تلاش کرده با گردآوری آثار هنری مرتبط با فوتبال، فضایی مناسب را برای علاقه‌مندان هنر و ورزش فراهم کند. این نمایشگاه بیش از ۱۰۰ اثر هنری را در یک گالری گردهم آورده است. در تصویر پیش‌رو تابلوی «استمفورد بریج ساعت ۲:۴۵ عصر»، کاری از «ادوین لادل» را می‌بینید؛ این نقاشی هواداران چلسی را قبل ورود به استادیوم و در آستانه آغاز بازی نشان می‌دهد. /ایسنا